

بررسی میزان توجه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب در محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۲۴

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۲/۱۵

حسن نجفی*

مهدی سبحانی‌نژاد**

رضا جعفری‌هرندی***

چکیده

پژوهش با هدف تحلیل میزان توجه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب در کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه ایران به روش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شد. جامعه پژوهشی شامل همه کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بود که از میان آنها یازده جلد کتاب درسی؛ ادبیات فارسی، دین و زندگی، مطالعات اجتماعی، زیست‌شناسی و تاریخ معاصر ایران به صورت هدفمند و با توجه به انطباق با منطق تحلیلی پژوهش، به عنوان نمونه انتخاب شدند. چک‌لیست تحلیل محتوای محقق ابزار اندازه‌گیری بود. نتایج پژوهش که با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی بررسی شد، عبارت‌اند از: ۱. در کتاب‌های دوره دوم متوسطه، ۷۲۹ مرتبه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب توجه شده بود. ۲. میزان توجه در کتاب‌های پایه‌های اول، دوم، سوم و چهارم دوره دوم متوسطه به ترتیب ۱۶۹، ۱۹۵، ۱۲۸ و ۲۳۷ مرتبه بود. ۳. بیشترین فراوانی مشاهده شده، مربوط به کتاب ادبیات فارسی پایه چهارم با ۲۲۰ مرتبه بوده است. ۴. در کتاب‌های دین و زندگی پایه‌های اول، دوم، سوم و زیست‌شناسی پایه اول، به بُعد فرهنگی اهداف مصوب توجهی نشده است. ۵. در مجموع، میزان توجه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب در کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه در حد پایینی قرار داشته است. **واژگان کلیدی:** دوره دوم متوسطه، کتاب‌های درسی، بُعد فرهنگی اهداف مصوب، تحلیل محتوا.

* کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه شاهد Email: hnajafih@yahoo.com

** دانشیار گروه تربیتی دانشگاه شاهد Email: sobhaninejad@shahed.ac.ir

*** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم Email: rjafarih@yahoo.com



الف) مقدمه

فرهنگ بخشی از معرفت بوده که در ذهنیت مشترک افراد و یا جامعه وارد شده است. مراد از معرفت فقط آگاهی ذهنی، تصویری یا تصدیقی نیست، بلکه معنای عامی است که احساس، عاطفه، گرایش، اعتقاد، عادات و آداب را نیز فرامی‌گیرد. هر نوع آگاهی، اعم از اینکه در حد تصویری ساده باشد و یا در درون شخصیت و وجود افراد رسوخ کرده و عزم و جزم آنها را در خدمت و یا در تقابل با خود گرفته باشد، هنگامی که صورتی جمعی پیدا کند، در قلمروی فرهنگ واقع می‌شود (پارسا، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱). اهمیت فرهنگ را به‌طور کلی می‌توان در دو جنبه خلاصه کرد، نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که فرهنگ در پیشرفت و توسعه پایدار جوامع ایفا می‌کند. امام خمینی (ره) در باب این موضوع می‌فرماید: «بی‌شک والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه؛ هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است، در نهایت چنین می‌توان گفت که فرهنگ در رأس همه اصلاحات قرار دارد چرا که مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۶).

از اقدامات مهم و تأثیرگذار بر اصلاح و توسعه فرهنگی، زمینه‌سازی تربیت فرهنگی در عرصه‌های تمدن‌سازی مطلوب اسلامی - ایرانی، ذوب نشدن در ساخت روابط موجود تمدن غربی، حضور فعال در پی‌ریزی مهندسی فرهنگی و مقابله در برابر هجوم فرهنگی استعمار مدرن است که نظام آموزش و پرورش باید آن را اعمال کند. در نظام آموزشی ایران، که بر مبنای جهان‌بینی اسلامی استوار است، انسان مطلوب خصوصیات و ویژگی‌هایی دارد که مبانی نظری آن در قرآن کریم و نمود عملی آن تنها در وجود مقدس پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت (ع) تبلور یافته است (رهنما، ۱۳۸۴: ۱۷). از مهم‌ترین ابزارهای پرورش انسان مطلوب می‌توان به تربیت فرهنگی اشاره کرد. تربیت فرهنگی، رشد افراد از طریق تداوم یادگیری و شناخت بهتر میراث‌های فرهنگی، آداب و رسوم و ارزش‌های گوناگون و رفتار مؤثر با افراد دیگر است (Earley and Ang, ۲۰۰۳: ۳۷۵). تربیت فرهنگی ما را قادر می‌سازد تا تفاوت‌های فرهنگی را از طریق دانش و آگاهی تشخیص دهیم و در فرهنگ‌های متفاوت به درستی رفتار کنیم (Triandis, ۲۰۰۶: ۲۲). به عقیده

توماس و اینکسون^۱ (۲۰۰۸)، افراد از طریق تربیت فرهنگی می‌توانند ظرفیتی را کسب کنند تا در رویارویی با فرهنگ‌های مختلف درک و فهم درستی داشته باشند و به‌طور مناسب عمل کنند. به‌طور قطع تربیت فرهنگی حاکم بر نظام آموزش و پرورش ایران تحت تأثیر باورهای هستی‌شناختی و انسان‌شناسی اسلام است. اسلام به عالم و آدم نگاهی زمینی و ناشی از تفسیرهای خودبنیاد انسان از عالم و آدم ندارد بلکه اساس تربیت فرهنگی بر هدایت و تربیت انسان به سوی خداوند متعال شکل گرفته است. از نگاه اسلام؛ تربیت انسان صالح اصلی‌ترین و اولی‌ترین نقش و وظیفه فرهنگ است. بنابراین تربیت فرهنگی، تلاش برای انتقال دادن و فرصت‌سازی برای بینش بیشتر، بهتر و عمیق‌تر فرهنگ و ارزش‌های الهی است، پس این فعالیت به نوعی دعوت در اندیشه اسلامی و در راستای آن به شمار می‌رود. از اینرو می‌توان گفت تربیت فرهنگی روی آوردن آزادانه و آگاهانه به سمت فرهنگ الهی است (خنکدار و سلحشوری، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۲). با توجه به این تعریف می‌توان عنوان کرد که فلسفه وجودی تربیت فرهنگی فراهم کردن زمینه رشد توانمندی‌های فطری است و اینکه مانع از تأثیر عوامل محیطی و نظام‌های تربیتی غیرصحيح در انسان شود تا او را به بیراهه بکشاند و موجب خسران وی شوند (شاملی، ملکی و کاظمی، ۱۳۹۰: ۸۰).

در نظام آموزشی کشور ما نقش برنامه‌های درسی^۲ که از سوی متخصصان تعلیم و تربیت طراحی، تولید و پیشنهاد می‌شود، در تربیت فرهنگی انکارناپذیر است زیرا برنامه درسی هسته مرکزی «تربیت» را شکل می‌دهد و مؤثرترین وسیله برای هدایت و رشد همه‌جانبه افراد است (فتحی و اجارگاہ، ۱۳۸۸: ۲۳). در میان عناصر مهم هر برنامه درسی، محتوا^۳ که دربردارنده دانش‌ها (حقایق، تبیین‌ها، اصول و تعاریف)، مهارت‌ها و فرآیندها (خواندن، نوشتن، حساب کردن، تفکر منطقی، تصمیم‌گیری و ایجاد ارتباط) و ارزش‌ها (خوب و بد، صحیح و غلط، زشت و زیبا) است، جایگاهی اساسی دارد (نوریان، ۱۳۸۹: ۶۵؛ ملکی، ۱۳۸۹: ۶۸). البته هر محتوایی برای ارائه به دیگران به ابزار و وسایلی نیاز دارد که اطلاعات و داده‌ها در آنها نگهداری و منتقل می‌شوند. این ابزارها و وسایل، رسانه‌های آموزشی نامیده می‌شوند (APA, ۲۰۰۸). کتاب درسی^۴ از پرکاربردترین و

1. Thomas and Inkson.
2. Curriculum.
3. Content.
4. Textbook.



مهم‌ترین رسانه‌های آموزشی در نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف جهان، به‌ویژه نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است که سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و فعالیت‌ها و تجارب یادگیرندگان بر محور آن سازماندهی می‌شود (دیباچی صابر، جعفری ثانی و آیتی، ۱۳۸۹: ۳۰).

یونسکو (۲۰۰۵) دستیابی به اهداف پرورشی جامعه را که به صورت اهداف آموزشی در قالب کتاب‌های درسی و محتوای تعیین شده منعکس می‌شوند آرمان هر نظام آموزشی به حساب می‌آورد. در صورت همسو نبودن برنامه درسی و محتوای کتاب‌های مربوط با اهداف کلی و جزئی نظام، نمی‌توان آمیدی به تحقق هدف‌های مورد انتظار داشت. موفقیت یک نظام آموزشی در گروهی هماهنگی اجزای متشکله با یکدیگر و هماهنگی آنها در جهت تحقق هدف‌ها و تناسب آن با ویژگی‌های خاص مخاطبان آموزشی است (نجفی، مقدم‌زاده و وفايي، ۱۳۹۲: ۲۶۸). اطمینان از این تناسب به بررسی و تحلیل محتوا^۱ نیاز دارد. این تحلیل به دست‌اندرکاران و نویسندگان کتاب‌های درسی کمک می‌کند تا هنگام تدوین، گزینش و انتخاب محتوای کتاب‌های درسی بیشتر دقت کنند تا ضمن تسهیل یادگیری، زمینه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم آورند. در حقیقت تحلیل محتوا کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها و همه اجزای مطرح شده در قالب درس‌های کتاب مورد بررسی علمی قرار گیرد و با هدف‌های برنامه درسی، مقایسه و ارزشیابی شود (بارمحمدیان، ۱۳۸۱: ۱۴۹؛ ۲۱۰: ۱۹۹۳، Ornstein and Hunkins).

پژوهشی که به طور اخص به تحلیل محتوا در اهداف مصوب فرهنگی پردازد وجود ندارد، اما در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

دباغ کرمانی (۱۳۹۰) درصدد تعیین «میزان تحقق اهداف دوره متوسطه ایران از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه» برآمده و خاطر نشان می‌کند که دبیران معتقدند میزان تحقق بیشتر اهداف متوسطه (به جز بُعد سیاسی) در حد متوسط بوده است. همچنین دانش‌آموزان تحقق اهداف آموزش متوسطه در ابعاد اعتقادی، علمی و آموزشی و سیاسی را به میزان متوسط و در ابعاد اخلاقی، فرهنگی و هنری، اجتماعی، زیستی و اقتصادی به میزان زیاد ارزیابی کرده‌اند.

نتایج پژوهش یزدانی و حسنی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی میزان انطباق اهداف

راهنمای برنامه‌های درسی (دوره ابتدایی و راهنمایی) با اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش «حاکی از آن است که در مجموع ۴۴ درصد از اهداف مصوب این دوره‌ها با هیچ‌کدام از اهداف راهنمای برنامه‌های درسی پوشش داده نشده و اهداف تدوین شده اغلب در حوزه شناختی و مهارتی است.

براساس یافته‌های تحقیق پارسا (۱۳۸۷) با عنوان «سنجش میزان مطلوبیت تحقق اهداف آموزش متوسطه»، به عقیده آزمودنی‌ها (دبیران، مربیان و اولیا و کارشناسان) نظام آموزش متوسطه در بین طبقات هشت‌گانه اهداف، در تحقق اهداف فرهنگی و اجتماعی موفق‌تر از سایر حیطه‌ها عمل کرده و در تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی نتوانسته است به خوبی به سایر اهداف عمل کند.

هاشم‌زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان تحقق اهداف دوره راهنمایی تحصیلی از دیدگاه افراد مرتبط در استان قم» نشان داد میانگین کل تحقق اهداف دوره راهنمایی ۷۳/۵ درصد می‌باشد و بین نظرات معلمان، دانش‌آموزان و والدین تفاوت معناداری وجود دارد. معلمان کمترین و والدین بیشترین نمره را به میزان تحقق اهداف دوره راهنمایی داده‌اند. همچنین بیشترین میزان تحقق اهداف در اهداف سیاسی با ۷۷/۲۵ درصد، اهداف اعتقادی با ۷۷ درصد و اهداف اجتماعی با ۷۶/۵ درصد و کمترین تحقق در اهداف فرهنگی - هنری با ۷۱/۵ درصد و اهداف علمی - آموزشی با ۶۹/۲۵ درصد است.

کریم‌پور (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی قابلیت اجرایی اهداف آموزش و پرورش دوره متوسطه» به این نتیجه رسید که اهداف فرهنگی به میزان کمتر از متوسط (۱/۹۰) قابلیت اجرایی داشته است.

بر مبنای یافته‌های پژوهش خضولو (۱۳۷۴) با عنوان «بررسی نحوه تألیف کتاب دانش اجتماعی»، هرچند کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول متوسطه به منظور اهداف آموزش و پرورش و تأکید بر ویژگی‌های دانش‌آموزان بوده است، اما با مسائل و پدیده‌های اجتماعی و نیازهای فرهنگی جامعه مطابقت ندارد و محتوای کتاب‌ها نتوانسته هماهنگی لازم را با مسائل و نیازهای فرهنگی و اجتماعی برقرار کند. وی علت این مشکل را ضعف پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان از مقاطع قبلی می‌داند.

ثورن برگ^۱ (۱۹۸۲) در تحقیقی با عنوان «به موقع اجتماعی شدن جوان در گروه

1. Thornburg.



همسال» و اشمیت و نیل^۱ (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان «وظیفهٔ مدرسه در تعلیم و رشد اجتماعی دانش‌آموزان» به این نتیجه رسیدند که مدرسه عامل مهم و تأثیرگذار بر رشد فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان است.

در پژوهش‌های دیگری چون میدگلی و اندرمان^۲ (۲۰۰۳)، نیمی و جون^۳ (۱۹۹۳) و ریبا^۴ (۱۹۹۷) نیز اهمیت انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی از طریق محتوای دروس (کتاب‌ها) بسیار مهم توصیف شده‌اند.

با توجه به نقش کتاب‌های درسی در شکل‌دهی باورها و ارزش‌ها و ضرورت وجود محتوای مناسب اهداف مصوب و تعیین شده از طریق دروس مختلف، مسئلهٔ اصلی پژوهش آن است که میزان توجه محتوای کتاب‌های درسی دورهٔ دوم متوسطه سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ نسبت به اهداف مصوب فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد تا ضمن روشن کردن موضوع، تصویر مناسبی در اختیار مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی قرار داده شود.

ب) روش‌شناسی پژوهش

با توجه به تحلیل کمی، عینی و نظام‌دار کتاب‌های درسی در زمینهٔ توجه به اهداف مصوب فرهنگی و همچنین ابزار مورد استفاده، روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. واحد ثبت^۵ در این تحقیق، مضمون بوده و روش شمارش نیز فراوانی است. مقوله‌بندی و تعیین شاخص‌ها در این تحقیق با روش جعبه‌ای^۶ است، یعنی طبقات (مؤلفه‌ها) قبل از اجرای تحقیق تعیین می‌شوند و از این‌رو روش از پیش تعیین شده نیز نامیده می‌شود (نوریان، ۱۳۸۹: ۶۵).

جامعهٔ پژوهشی همهٔ کتاب‌های درسی دورهٔ دوم متوسطهٔ سال تحصیلی ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ بود که از میان آنها، یازده جلد کتاب درسی؛ ادبیات فارسی، دین و زندگی، مطالعات اجتماعی، زیست‌شناسی و تاریخ معاصر ایران به صورت هدفمند و با توجه به انطباق با منطق تحلیلی پژوهش، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

1. Schmitt and Neal.
2. Midgley & Anderman.
3. Niemei & Junn.
4. Ryba.
5. Recoding Unit.
6. Procedure parboil.

با توجه به اطلاعات مورد نیاز برای بررسی سؤال‌های تحقیق، در این پژوهش، ابزار گردآوری داده‌ها، چک‌لیست (سیاهه) یا فرم تحلیل محتوای کتاب‌های درسی محقق بوده که به منظور ساخت آن، پس از مطالعه مبانی نظری موضوع و بررسی اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش فرم تحلیل محتوا که شامل بُعد فرهنگی اهداف مصوب بود، تنظیم شد. فرم مورد نظر با استفاده از جدول‌های محقق ساخته، کدگذاری و طبقه‌بندی گردید.

به منظور تعیین روایی^۱ ابزار پژوهش از روش روایی صوری، محتوایی و نظر متخصصان استفاده شده است. به این ترتیب که فرم اولیه تحلیل محتوا که شامل همه مؤلفه‌های فرهنگی اهداف مصوب بود برای تغییر و اصلاح در اختیار گروهی از صاحب‌نظران برنامه درسی و متخصصان حوزه تربیت فرهنگی قرار گرفت که پس از اعمال نظر آنها چک‌لیست نهایی تحلیل محتوا تهیه شد.

برای تعیین پایایی^۲ ابزار تحقیق نیز از روش بازآزمایی (آزمون - آزمون مجدد)^۳ استفاده شد. بدین صورت که پس از دو بار مطالعه کتاب‌های درسی به فاصله دو هفته، مقدار ضریب همبستگی ۰/۸۶ بین فراوانی‌های شمارش شده حاصل گشت.

با توجه به روش انجام پژوهش ماهیت و هدف و نوع مقیاس اندازه‌گیری، تحلیل آماری داده‌های پژوهش در سطح توصیفی انجام شده و در این ارتباط از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی همچون فراوانی، درصد، میانگین، رتبه‌بندی و جداول توصیفی استفاده شده است.

ج) یافته‌ها

در این قسمت، نتایج بررسی سؤال‌های پژوهش به تفکیک در سه قسمت تشریح شده است:

سؤال اول پژوهش: رسالت بُعد فرهنگی اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش چیست و مؤلفه‌های آن کدام‌اند؟

هدف کلی آموزش و پرورش هر جامعه‌ای این است که دانش‌آموزان را طبق الگوی

1. Validity.

2. Reliability.

3. Test - Retest.



اعتقادهای و ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهد. بر اساس این، هر جامعه‌ای تصویری از انسان مطلوب خود دارد و معنا و غایت معینی برای آن قائل است. از این رو می‌کوشد افراد خود را بر اساس این تصور و معنا تربیت کند. بنابراین تعیین این اهداف، مستلزم ملاحظات فلسفی، دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است (مسعودیان و بهشتی، ۱۳۹۱: ۱۲؛ خوش‌قدم‌خو و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

اهداف مصوب فرهنگی ابزاری برای شکوفاسازی استعدادهای فرهنگی و پرورش ارزش‌های دینی و ملی دانش‌آموزان است. به عبارت دیگر اهداف فرهنگی در راستای تربیت انسان‌هایی است که خود را در برابر خدا و خلق خدا مسئول بدانند و در ساماندهی عرصه‌های فرهنگی داخلی و خارجی به وظایف خود عمل کنند. در نهایت می‌توان چنین عنوان کرد که اهداف فرهنگی گزاره‌هایی توصیفی‌اند که جهت‌گیری کلی را مشخص نموده و در فرایند تعلیم و تربیت چهار نقش کلی دارند: ۱. فعالیت‌های فرهنگی را رهبری و هدایت می‌کنند؛ ۲. برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت ایجاد انگیزه می‌کنند و آنان را برای دستیابی به اهداف مورد نظر به جوشش و حرکت وامی‌دارند؛ ۳. به کمک آنها می‌توان فعالیت‌های فرهنگی دانش‌آموزان را ارزیابی، ضعف و قوت آنها را شناسایی و در نهایت اصلاح کرد؛ ۴. با توسل به آنها فعالیت‌های همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در حوزه فرهنگ با یکدیگر هماهنگ می‌گردد و در نتیجه از کارهای موازی و متعارض جلوگیری می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۶۷: ۱۷۸).

کارشناسان برنامه درسی و سیاست‌گذاران فلسفه تعلیم و تربیت در اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش هشت مؤلفه برای بُعد فرهنگی در نظر گرفته‌اند که در جدول (۱) آمده است. برای ادامه فرایند پژوهش از این اهداف به عنوان مبنایی برای تحلیل کتاب‌های درسی استفاده شده است.

سؤال دوم پژوهش: به چه میزان در محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نسبت به بُعد فرهنگی اهداف مصوب در سال ۱۳۹۲ توجه شده است؟
براساس تحلیل کتاب‌های مورد بررسی، در مجموع ۷۲۹ مرتبه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب توجه شده که میزان آن در هریک از کتاب‌ها متفاوت است. در جدول (۲) و نمودار (۱) مجموع فراوانی‌های مربوط به اهداف جزئی در کتاب‌های مورد بررسی به



تفکیک پایه تحصیلی آمده که به شرح ذیل است:

در کتاب‌های ادبیات فارسی پایه‌های اول، دوم، سوم و چهارم متوسطه به ترتیب ۹۷، ۱۹۵، ۴۵ و ۲۲۰ مرتبه به مؤلفه‌های بُعد فرهنگی اهداف مصوب توجه شده است. از بین مؤلفه‌های تحلیل شده این کتاب‌ها بیشترین توجه به مؤلفه علاقه‌مندی به زبان و

جدول ۱: نتایج شناسایی مؤلفه‌های بُعد فرهنگی اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش

ردیف	بُعد فرهنگی اهداف مصوب
۱	دستاوردهای فرهنگی جامعه ایرانی را جزئی از هویت ملی خویش می‌داند.
۲	جنبه‌هایی از هنرهای فرهنگی مورد علاقه خود را در انجام فعالیت‌ها به کار می‌بندد و زیباترین لحظه‌ها و پدیده‌ها را ثبت می‌کند.
۳	به شناخت خصوصیات برجسته فرهنگی ملل علاقه‌مند است و در نقد آنها از تجارب و دستاوردهای فرهنگی کشور خود و دیگر کشورها استفاده می‌کند.
۴	با مفاخر فرهنگی آشناست و از آنها استفاده می‌کند.
۵	به مطالعه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و جهان علاقه‌مند است.
۶	به زبان و لهجه بومی و محلی خود علاقه دارد.
۷	آثار فرهنگی را ارزیابی و فرهنگ را اصیل را تشخیص می‌دهد.
۸	به نقش مهم زبان فارسی در ایجاد ارتباط و وحدت فکری و فرهنگی ایرانیان واقف و با آثار برجسته ادب فارسی مانوس است.

جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه به لحاظ میزان توجه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب

کتاب	پایه/هدف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مجموع	درصد
ادبیات فارسی	اول	۱۱	۷	۴۱	۳	۹	۲۳	۱۳	۱۷	۹۷	۱۳/۳
	دوم	۳۲	۱۸	۳۶	۱۵	۲۰	۲۶	۱۹	۲۹	۱۹۵	۲۶/۷
	سوم	۸	۴	۳	۶	۹	۵	۱	۹	۴۵	۶/۲
	چهارم	۳۷	۱۷	۱۸	۳	۵۰	۶۴	۸	۲۳	۲۲۰	۳۰/۲
دین و زندگی	اول	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	دوم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	سوم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	چهارم	۲	۱	۴	۲	۰	۴	۳	۱	۱۷	۲/۳
مطالعات اجتماعی	اول	۵	۳	۹	۶	۸	۱۱	۱۴	۱۶	۷۲	۹/۹
	اول	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تاریخ معاصر ایران	سوم	۱۸	۶	۱۴	۱۵	۱۰	۴	۱۳	۳	۸۳	۱۱/۴
	مجموع	۱۱۳	۵۶	۹۸	۵۰	۱۰۶	۷۳۱	۱۷	۸۹	۹۲۷	۰۰۱



لهجه بومی و محلی در کتاب پایه چهارم با ۶۴ فراوانی بوده و به مؤلفه‌های ارزیابی آثار فرهنگی و تشخیص فرهنگ اصیل در پایه سوم با ۱ فراوانی، آشنایی با مفاخر فرهنگی و استفاده از آنها در کتاب پایه اول و علاقه‌مندی به شناخت خصوصیات برجسته فرهنگی سایر ملل و استفاده از تجارب و دستاوردهای فرهنگی کشور خود و دیگر کشورها برای نقد آنها در کتاب‌های پایه‌های اول و سوم با ۳ فراوانی کمتر توجه شده است.

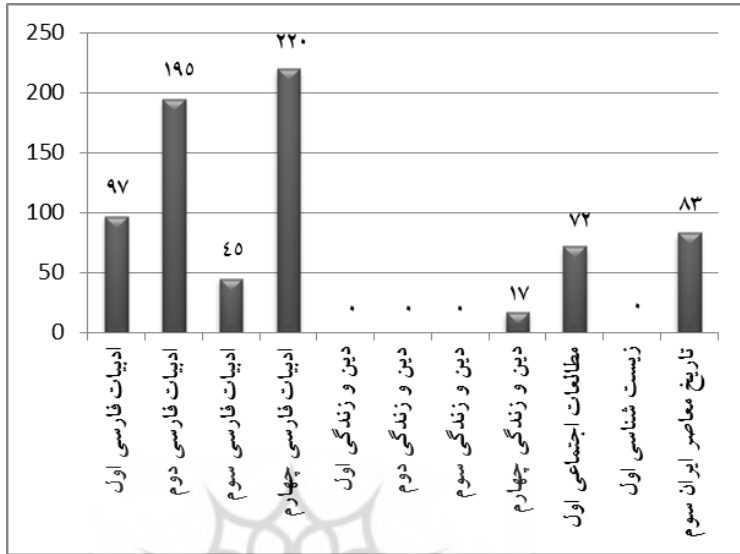
در کتاب‌های دین و زندگی پایه‌های اول، دوم، سوم متأسفانه به مؤلفه‌های بُعد فرهنگی اهداف مصوب توجهی نشده و در کتاب پایه چهارم تنها ۱۷ مرتبه به مؤلفه‌ها پرداخته شده است. از بین مؤلفه‌های تحلیل شده این کتاب بیشترین توجه به مؤلفه‌های علاقه‌مندی به شناخت خصوصیات برجسته فرهنگی سایر ملل و استفاده از تجارب و دستاوردهای فرهنگی کشور خود و دیگر کشورها برای نقد آنها و علاقه‌مندی به زبان و لهجه بومی و محلی با ۴ فراوانی بوده و به مؤلفه‌های کاربردی ساختن جنبه‌هایی از هنرهای فرهنگی مورد علاقه خود در انجام فعالیت‌ها و ثبت زیباترین لحظه‌ها و پدیده‌ها و واقف بودن به نقش مهم زبان فارسی در ایجاد ارتباط و وحدت فکری و فرهنگی ایرانیان و مانوس بودن با آثار برجسته ادب فارسی با ۱ فراوانی توجه کمتری شده است. در کتاب مطالعات اجتماعی پایه اول متوسطه ۷۲ مرتبه به مؤلفه‌های بُعد فرهنگی اهداف مصوب توجه شده است. از بین مؤلفه‌های تحلیل شده این کتاب بیشترین توجه به مؤلفه ایجاد ارتباط و وحدت فکری و فرهنگی ایرانیان و مانوس بودن با آثار برجسته ادب فارسی با ۱۶ مرتبه بوده و به مؤلفه کاربردی ساختن جنبه‌هایی از هنرهای فرهنگی مورد علاقه خود در انجام فعالیت‌ها با ۳ فراوانی کمتر توجه شده است.

بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته، در کتاب زیست‌شناسی پایه اول متوسطه توجهی به مؤلفه‌های بُعد فرهنگی اهداف مصوب نشده است.

در کتاب تاریخ معاصر ایران پایه سوم متوسطه ۸۳ مرتبه به مؤلفه‌های بُعد فرهنگی اهداف مصوب توجه شده است. از بین مؤلفه‌های تحلیل شده این کتاب بیشترین توجه به مؤلفه دانستن دستاوردهای فرهنگی جامعه ایرانی به عنوان جزئی از هویت ملی خویش با ۱۸ مرتبه بوده و به مؤلفه واقف بودن به نقش مهم زبان فارسی در ایجاد ارتباط و وحدت فکری و فرهنگی ایرانیان و مانوس بودن با آثار برجسته ادب فارسی با ۳ فراوانی کمتر توجه شده است. سؤال سوم پژوهش: به چه میزان پایه‌های تحصیلی دوره دوم متوسطه نسبت به



نمودار ۱. نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه به لحاظ میزان توجه به بعد فرهنگی اهداف مصوب



اهداف مصوب فرهنگی در سال ۱۳۹۲ توجه نموده‌اند؟

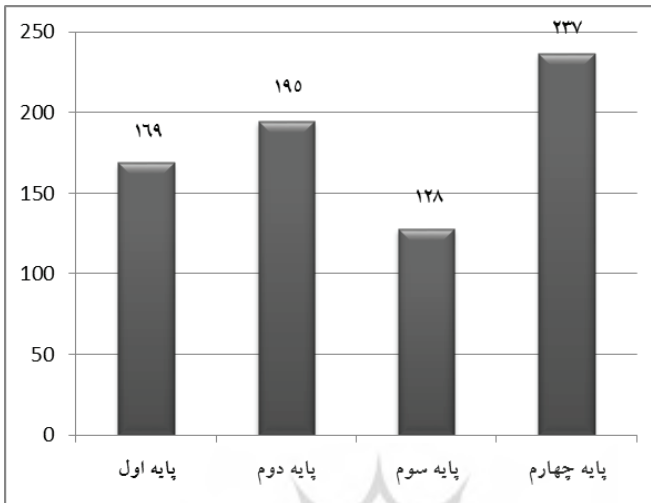
تحلیل کتاب‌های مورد بررسی نشان داد میزان توجه به ابعاد فرهنگی اهداف مصوب در هریک از پایه‌های تحصیلی دوره دوم متوسطه متفاوت است. در جدول (۳) و نمودار (۲) مجموع فراوانی‌های مربوط به اهداف مصوب در پایه‌های تحصیلی آمده که به شرح ذیل است: از مجموع ۷۲۹ فراوانی که به بعد فرهنگی اهداف مصوب توجه کرده‌اند، پایه اول با ۱۶۹ فراوانی یا ۲۳/۲ درصد، پایه دوم با ۱۹۵ فراوانی یا ۲۶/۷ درصد، پایه سوم با ۱۲۸ فراوانی یا ۱۷/۶ درصد و پایه چهارم با ۲۳۷ فراوانی یا ۳۲/۵ درصد، به مؤلفه‌های مورد بررسی اشاره نموده‌اند.

جدول ۳. جمع‌بندی تحلیل کتاب‌های درسی پایه‌های چهارگانه دوره دوم متوسطه نسبت به بعد فرهنگی اهداف مصوب

پایه‌ها					آماره	اهداف مصوب فرهنگی
مجموع	چهارم	سوم	دوم	اول		
۲۹۷	۲۳۷	۱۲۸	۱۹۵	۱۶۹	فراوانی	جمع کل
۱۰۰	۳۲/۵	۱۷/۶	۲۶/۷	۲۳/۲	درصد	



نمودار ۲. جمع‌بندی تحلیل کتاب‌های درسی پایه‌های چهارگانه دوره دوم متوسطه نسبت به بُعد فرهنگی اهداف مصوب



(د) بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل میزان توجه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب در محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه ایران در راستای سه سؤال اصلی انجام شد و نتایج زیر به دست آمد:

۱. رسالت بُعد فرهنگی اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش؛ تبیین و مؤلفه‌های هشت‌گانه آن استخراج شد.

۲. در مجموع ۷۲۹ مرتبه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب توجه شده که میزان آن در کتاب‌های ادبیات فارسی پایه‌های اول، دوم، سوم و چهارم متوسطه به ترتیب ۹۷، ۱۹۵، ۴۵ و ۲۲۰ مرتبه؛ در کتاب‌های دین و زندگی پایه‌های اول، دوم، سوم توجهی به مؤلفه‌ها نشده و در کتاب پایه چهارم به ۱۷ مرتبه؛ در کتاب مطالعات اجتماعی پایه اول متوسطه ۷۲ مرتبه؛ در کتاب زیست‌شناسی پایه اول متوسطه توجهی نشده و در کتاب تاریخ معاصر ایران پایه سوم متوسطه ۸۳ مرتبه توجه شده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یزدانی و حسنی (۱۳۹۰)، هاشم‌زاده (۱۳۸۷)، کریم‌پور (۱۳۸۰) و خضرو (۱۳۷۴) همسو و با نتایج پژوهش دباغ کرمانی (۱۳۹۰) و پارسا (۱۳۸۷) ناهمسو است.

۳. از مجموع ۷۲۹ فراوانی که به بُعد فرهنگی اهداف مصوب توجه کرده‌اند، پایه اول با ۱۶۹



فراوانی یا ۲۳/۲ درصد، پایه دوم با ۱۹۵ فراوانی یا ۲۶/۷ درصد، پایه سوم با ۱۲۸ فراوانی یا ۱۷/۶ درصد و پایه چهارم با ۲۳۷ فراوانی یا ۳۲/۵ درصد به مؤلفه‌های مورد بررسی پرداخته‌اند.

۴. در مجموع وضعیت میزان توجه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب در کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه در حد پایین قرار دارد که این مسئله به تحقق کمتر اهداف مصوب منجر می‌شود. میزان توجه فعلی به اهداف مصوب فرهنگی در کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه ایران به دلایلی همچون نگرش برنامه‌ریزان درسی، ترجیح‌های مؤلفان کتاب‌های درسی به مباحث مختلف، محدودیت در حجم کتاب‌های درسی و تلقی کافی بودن فراوانی‌های بیان شده در کتاب‌های درسی است که باید با بررسی‌های میدانی و استفاده از نظرات صاحب‌نظران، کفایت مباحث ارائه شده مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد. در ادامه به برخی از پیشنهادهای کاربردی اشاره می‌شود:

۱. در طراحی و تدوین محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه، بُعد فرهنگی اهداف مصوب بیش از پیش مدنظر قرار گیرد.
۲. برنامه‌ریزان درسی می‌توانند از یافته‌های پژوهش حاضر برای شناسایی محتوای مناسب‌تر برای توسعه شناخت دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه در بُعد فرهنگی استفاده کنند.
۳. از آنجاکه کتاب‌های درسی مورد بررسی در پژوهش حاضر به تعبیر صاحب‌نظران از جمله دروسی بوده‌اند که امکان توجه به بُعد فرهنگی اهداف مصوب را در خود داشته‌اند، می‌توان ضمن تشویق کارشناسان، از تألیف کتاب‌هایی که در این راستا موفقیت قابل قبولی داشته‌اند برای آشناسازی بیشتر سایر گروه‌های تألیف کتاب‌های درسی در انتقال و توسعه این مباحث کمک گرفت.
۴. کتاب‌های مورد بررسی، همچنان عرصه توجه بیشتر به این مبحث مهم (بُعد فرهنگی اهداف مصوب) را در خود دارند. از این‌رو برای ایجاد تغییر در سبک زندگی فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان لازم است از طرف صاحب‌نظران و نویسندگان بزرگ در محتوای کتاب‌ها به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم تغییراتی صورت پذیرد.
۵. دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌توانند به کمک آموزش‌های ضمن خدمت اهمیت پرداختن به مفاهیم مرتبط با اهداف مصوب فرهنگی را برای دبیران و سایر عوامل مدرسه توضیح و تشریح کنند تا آنها موضوع را در فرصت‌ها و مناسبت‌های گوناگون برای دانش‌آموزان تبیین نمایند.

منابع

- پارسا، حمید (۱۳۹۰). روش‌شناسی حکمت صدرایی، قم: کتاب فردا.
- خضرو، غلامرضا (۱۳۷۴). بررسی نحوه تألیف کتاب دانش اجتماعی سال اول متوسطه نظام جدید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- خنکدار، معصومه و احمد سلحشوری (۱۳۹۲). «عوامل تربیت فرهنگی از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست‌ویکم، ش ۲۰.
- خوش‌قدم‌خو، صدرالله، صاحب موسوی، روح‌الله شهبایی و مهدی سبحانی‌نژاد (۱۳۹۱). «تبیین پیامدهای جهانی شدن اقتصادی بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، سال هشتم، ش ۲.
- دباغ‌کرمانی، مهرداد (۱۳۹۰). تعیین میزان تحقق اهداف دوره متوسطه ایران از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان سوم متوسطه و پیش‌دانشگاهی شهرستان رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان.
- دیبایی صابر، محسن، حسین جعفری ثانی و محسن آیتی (۱۳۸۹). «میزان درگیری برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی (پایه سوم و چهارم) با مهارت‌های سواد خواندن بر اساس مطالعه بین‌المللی پرلز»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال نهم، ش ۳۶.
- روزنایی، هاشم (۱۳۸۱). «اسلامی کردن برنامه آموزشی و تحصیلی»، ترجمه سوسن کشاورز، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال نهم، ش ۳۲.
- رهنما، اکبر (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- شاملی، عباسعلی، حسن ملکی و حمیدرضا کاظمی (۱۳۹۰). «برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی»، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال سوم، ش ۲.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۷). جامعه و تعلیم و تربیت، تهران: امیر کبیر.
- فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی، تهران: بال.
- کریم‌پور، شهین (۱۳۸۰). بررسی قابلیت اجرایی اهداف آموزش و پرورش دوره متوسطه از دیدگاه جوانان، مشاوران، دبیران، مدیران و اعضای انجمن اولیاء و مربیان و استادان دانشگاه در استان خوزستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مسعودیان، پریسا و سعید بهشتی (۱۳۹۱). «بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج‌البلاغه»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال هجدهم، ش ۱۷.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد: پیام اندیشه.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجفی، حسن، علی مقدم‌زاده و رضا وفایی (۱۳۹۲). «برنامه درسی تربیت دینی، چالش‌های کنونی و طرح راهکارهایی برای آینده»، مجموعه مقالات همایش ملی مدرسه فردا، مرکز آموزشی و فرهنگی سما واحد چالوس.
- نوریان، محمد (۱۳۸۹). تحلیل برنامه درسی دوره ابتدایی ایران، تهران: گویش نو.

- هاشم‌زاده، معصوم (۱۳۸۷). بررسی میزان تحقق اهداف دوره راهنمایی تحصیلی از دیدگاه افراد مرتبط در استان قم، قم: شورای تحقیقات آموزش و پرورش.
- یزدانی، جواد و محمد حسینی (۱۳۹۰). «بررسی میزان انطباق اهداف راهنمای برنامه‌های درسی (دوره ابتدایی و راهنمایی) با اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال ششم، ش ۲۰.
- یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۱). اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران: یادواره کتاب.
- American Psychological Association (APA) (2008). «**Media Online Etymology Dictionary**», <http://dictionary.reference.com>.
- Earley, P. C. and S. Ang (2003). *Cultural Intelligence: Individual Interactions Across Cultures*, Stanford CA., Stanford Business Books.
- Midgley, C. and E. L. Anderman (2003). «**Differences between Elementary and Middle School Teachers and Students**», *Journal of Early Adolescence*, No. 15.
- Niemi. H. G. and J. Junn (1993). «**Civic Sources and Political Knowledge Of School: Seniors**», Paper Presented at The Annual Meeting Of American Political Science Association, Washington DC.
- Ornestein. A. C. and F. P. Hunkins (1993). *Curriculum: Foundations, principles, and issues*, Massachusetts, Allyn and Bacon.
- Ryba, R. (1997). *Education, Democracy and Development: An International Perspective*, Kluwer American Publishers, Dordrecht, Boston and London.
- Schmitt, N. (1999). «**Parental Employment, School Climate and Children's Academic and Social Development**», *Journal of Applied - Psychology*, Vol. 84, No. 5.
- Thomas, D. C. and K. Inkson (2008). «**People Skills for Global Workplace**», *Consulting to Management*, Vol. 16, No. 1.
- Thornburg, H. D. (1982). «**The Total Early Adolescent in Contemporary Society**», *High School Journal*, Vol. 65, No. 8.
- Triandis, H. C. (2006). «**Cultural Intelligence in Organizations**», *Group and Organization Management*, Vol. 32, No. 1.
- Unesco (2005). *A Comprehensive Strategy for Textbooks and Learning Materials*, UNESCO, Paris.